

## نقش مزیت‌های نسبی در بهینه‌سازی کشاورزی در ایران

مهرداد مطبوع ریاحی (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد منابع  
تجدیدشونده)

۲۹ آذر ۱۳۹۶

شماره مسلسل: ۱۱۰۰۴۴۲

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

### پیشگفتار:

با وجود تغییر اقلیم و بروز بحران خشکسالی در کشور از یک طرف و پائین بودن بهره‌وری، درآمد و ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از طرف دیگر، سؤال اساسی که در ذهن ما شکل می‌گیرد این است که آیا زمان آن نرسیده است که یک بازنگری جدی و اصولی در برنامه‌ها و راهبردها در سه سطح سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرا در بخش کشاورزی به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب صورت پذیرد؟ چرا که اگر سیاست‌ها و راهبردهای فعلی کارایی لازم را داشت که بایستی به‌طور ملموس شاهد افزایش بهره‌وری آب، تولید ارزش افزوده، ثروت و اشتغال در این بخش می‌بودیم. در این راستا، شناخت و بازبینی مزیت‌های نسبی به همراه آمایش سرزمین بایستی به‌عنوان یک ضرورت اساسی در کنار سایر ضرورت‌ها برای ایجاد تحول در بخش‌های کشاورزی، آب و صنایع تبدیلی مد نظر سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و مدیران اجرایی کشور قرار گیرد. در این نوشتار مروری اجمالی بر مزیت‌های نسبی عمده و اهمیت ساختاری آنها در تدوین نقشه راه مناسب، برای نیل به توسعه پایدار در بخش کشاورزی در ایران خواهیم داشت.

### مقدمه:

قبل از آنکه به معرفی مزیت‌های نسبی عمده در بخش کشاورزی ایران بپردازیم، لازم است ابتدا نگاهی به مهم‌ترین کاستی‌ها در مدیریت کارآمد کشاورزی ایران داشته باشیم. کاستی‌ها و نابهینگی‌هایی که مانع از توجیه اقتصادی فرآیندهای

این بخش شده و چنانچه بدون توجه به لزوم اصلاح این نابهینگی‌ها در کوتاه‌مدت و بدون توجه به بحران کم‌آبی باز کشاورزی را با اصرار بر حفظ سیاست‌های فعلی گسترش دهیم، در حقیقت این کاستی‌ها و نابهینگی‌ها را تداوم و گسترش خواهیم داد. اهم این کاستی‌ها به شرح ذیل است:

• عدم شناخت مزیت‌های طبیعی مناطق و لحاظ نمودن آنها در برنامه ریزی‌های کلان زراعت و فقدان نقشه کامل مزیت‌های طبیعی مناطق در ایران؛

• عدم محاسبه نقطه سر به‌سر در برنامه‌ریزی‌های تولیدات کشاورزی به‌منظور اجتناب از زراعت‌های زیان‌ده و هدر رفت آب؛

• فقدان نقشه کامل و جامع مناطق با قابلیت دیم‌کاری با رویکرد اقتصادی؛

• عدم تخصیص کردن کشت در مناطق برای رسیدن به الگوی کشت آب‌محور مبتنی بر ارزش افزوده؛

• پراکندگی اراضی زراعی و عدم اهتمام جدی برای یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در ایران؛

• عدم تدوین و اجرای برنامه جامع کشت سالانه بر اساس نیاز بازار در کشور؛

• وجود ضایعات زیاد از برداشت محصول تا مصرف که ناشی از اعمال روش‌های سنتی نگهداری، فرآوری، بسته‌بندی، تبدیل، عرضه و بازار پردازی است؛

• و عدم بررسی میزان مصرف آب و ارزش افزوده همراه با شاخص عملکرد، چرا که معمولاً در ایران شاخص عملکرد مبتنی است بر بازدهی وزنی به سطح کشت یعنی تولید به تن در هکتار. در حالی که دو عامل مهم دیگر که بایستی در کنار بازدهی وزنی مورد توجه و تاکید قرار گیرند میزان مصرف آب برای تولید هر واحد و همچنین ارزش فرآورده تولید شده در واحد وزن است.

به اعتقاد نویسنده برای رسیدن به توسعه پایدار در بخش کشاورزی و اصلاح کاستی‌های مذکور، پرداختن به سه بخش زیر از اهمیت بالاتری برخوردار است:

۱. شناخت و اعمال مزیت‌های نسبی طبیعی، ژئوآکونومیک و انسانی در کشور در برنامه‌ریزی‌های کلان زراعت و اعمال این مزیت‌ها در مرحله قانون‌گذاری و اجرا؛

۲. بهینه‌سازی مصرف آب از طرق مختلف زراعی و تکنولوژیک مانند: اصلاح الگوی کشت، تخصیص کردن کشت

گسترش علم در کشور و امکان بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین در این زمینه کاملاً ضروری است که مزیت‌های نسبی طبیعی شناخته نشده یا کمتر شناخته شده در مناطق اقلیمی گوناگون کشور طی یک کار پژوهشی گسترده شناسایی و معرفی شوند. به‌عنوان مثال تا چند سال پیش اگر کسی صحبت از کشت زعفران در چهارمحال و بختیاری می‌کرد احتمالاً حرفش جدی گرفته نمی‌شد، در حالی که امروزه این محصول با موفقیت در بسیاری از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری در حال کشت و توسعه است و توانسته ضمن کاهش مصرف آب، درآمدزایی خوبی برای کشاورزان داشته باشد [۱]. نتیجه آنکه تغییرات اقلیمی، بالا رفتن میانگین درجه حرارت سالیانه و کمبود آب در بسیاری از مناطق کشور امکان کشت موفق یک محصول خارج از کشت متعارف منطقه را کاملاً اقتصادی و مناسب کرده است و چه‌بسا در بسیاری از موارد امکان استقرار یک محصول جدید را در یک منطقه سنتی کاملاً اقتصادی و سودآور بنماید. یک مثال عینی دیگر کشت موفقیت‌آمیز گیاه کینوا (خاویار گیاهی) با ارزش غذایی و تنوع ژنتیکی بالا، سازگاری وسیع و مقاومت بالا به تنش‌های شوری و خشکی در آنابند کاشمر [۲] است. از آنجایی که این گیاه نسبت به شوری مقاوم است، دارای مزیت نسبی برای کشت در مناطقی از ایران که در آنها محدودیت آب شیرین وجود دارد است. لازم به ذکر است که نظر به اهمیت بالای این گیاه به پیشنهاد سازمان خواروبار جهانی فائو، سال ۲۰۱۳ به نام این گیاه نامگذاری شد [۳]. این مثالها و نمونه‌های مختلف دیگر مبین آن است که برخی از مزیت‌های نسبی طبیعی نهفته و پنهان، آشکار شده و عملکرد خود را نشان داده اند و برخی بایستی مورد بررسی و شناسایی قرار بگیرند.

### مزیت‌های نسبی طبیعی جغرافیایی اقتصادی (ژئوآکونومیک):

مزیت‌های جغرافیایی اقتصادی یا ژئو آکونومیک نیز می‌توانند مزیت‌های نسبی را برای بخش کشاورزی و آب در مناطق گوناگون ایران ایجاد کنند که برای درک بهتر موضوع نمونه‌های را ذکر می‌کنیم:

در شمال کشور، استان‌های مازندران، گلستان و گیلان به علت قرار گرفتن در ساحل دریای خزر و در همسایگی چهار کشور ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و آذربایجان، امکان امضاء تفاهم‌نامه‌های همکاری دو یا چندجانبه در خصوص کشاورزی و صنایع مرتبط و دادوستد مستقیم از طریق حمل‌ونقل دریایی با

در مناطق، استفاده از ارقام مناسب، توسعه شهرک‌های گلخانه‌ای، و کاربرد روش‌های نوین آبیاری؛

۳. ارتقاء کاربرد فناوری‌های نوین در مراحل کاشت، داشت، برداشت و پس از برداشت مانند انبارداری، صنایع بسته‌بندی و تبدیل و عرضه محصول خام یا فرآوری شده با بهترین کیفیت ممکن مطابق استانداردهای جهانی و با قیمت مناسب به مصرف‌کنندگان.

در این مقاله به بخش اول که شناخت مزیت‌های نسبی به‌عنوان یک ضرورت اساسی برای ایجاد تحول در بخش‌های کشاورزی، آب و صنایع تبدیلی است، خواهیم پرداخت. مبحثی که در کنار آمایش سرزمین بایستی مد نظر سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و مدیران اجرایی کشور جهت تدوین یک برنامه اصلاحی هدفمند و دانش‌محور قرار گیرد.

### مزیت‌های نسبی طبیعی اقلیمی:

در خصوص زراعت، سرزمین ایران دارای تنوع‌های متنوع در بخش‌های اقلیم (مانند: خاک، ارتفاع از سطح دریا، بارش، نور و غیره)، تنوع در نوع الگوی کشت و نحوه زراعت و بالاخره تنوع در فرهنگ مصرف فرآورده‌های کشاورزی است. نیازهای فیزیولوژیکی گیاهان منطبق بر سازگاری با طبیعت پیرامونی هر منطقه باعث گردیده که گیاهان خاصی قابلیت رشد و نمو بهینه در آن مناطق را داشته باشند. نحوه پراکنش گونه‌های زراعی و باغی در پهنه جغرافیای کشور مؤید آن است که نحوه پراکنش و اعمال مزیت‌های نسبی طبیعی برای انتخاب محصولات خاص زراعی و باغی طی سالیان متمادی و از نسلی به نسل دیگر و بر اساس سازگاری با وضعیت طبیعی هر منطقه، اولویت‌های تغذیه‌ای، تجربه و سعی و خطا صورت گرفته است. آنچه مسلم است شناخت و اعمال این نوع مزیت‌ها در گذشته بیشتر بر اساس تجربه، نیاز و سنت‌ها بوده و بکارگیری فنون پیشرفته و نوین در شناخت آنها کمتر دخیل بوده است.

لذا بازبینی و شناخت دوباره مزیت‌های نسبی طبیعی مناطق مختلف کشور برای بهره‌گیری از تجربه پیشینیان و دانش امروزی کاملاً ضروری و یکی از گام‌های اساسی در جهت توسعه پایدار کشاورزی در رابطه با مصرف بهینه زمین، آب، نهاده‌ها و انرژی است. برخی از مزیت‌های نسبی طبیعی در هر منطقه مانند تولید بهترین و مرغوب‌ترین نوع پسته در منطقه رفسنجان و دامغان و یا تولید بهترین زعفران و زرشک و زیره در شمال شرقی کشور و انار شیرین در حاشیه‌های کویر مرکزی کاملاً بارز و شناخته شده هستند. اما با توجه به پیشرفت و

دشت‌های مرکزی، جنوبی و شرقی، این مزیت نسبی سیستان و بلوچستان برای توسعه متوازن کشور دارای اهمیت بسیار است که لازم است از آن در راستای توسعه متوازن و شکوفایی استان‌های همجوار بهره‌برداری نمود.

## مزیت نسبی انسانی (قشر تحصیل کرده ممتاز و نخبگان):

در طول تاریخ، نخبگان هر جامعه با ابداع و نوآوری، راه‌حلهایی را برای غلبه بر مشکلات و مصائب موجود ایجاد کرده‌اند. این فرآیند توسعه و تکامل عمدتاً از طریق اهمیت به جایگاه اندیشه و علم در زندگی و رفع موانع و سختی‌ها ایجاد شده است. در این راستا فن‌آوری و کاربرد علم در حل معضلات، مهم‌ترین بخش این فرآیند بوده و چه بسا جوامعی مانند کشور ژاپن که دارای مزیت‌های طبیعی، اقلیمی و جغرافیایی کمتری از ما هستند با تلاش و اهمیت دادن به بهره‌گیری از نخبگان هر بخش توانسته‌اند در تولیدات متنوع برای خود مزیت‌هایی ایجاد نمایند و با همت و نوآوری یکی از اقتصادهای قدرتمند را در جهان رقابتی امروز ایجاد کنند.

در توسعه پایدار بخش کشاورزی ما نمی‌توانیم فقط به مزیت‌های طبیعی خود تکیه کنیم و بایستی با بهره‌گیری از برنامه‌های مدون و هدفمند این مزیت‌ها را با مزیت‌های نخبگان کامل نماییم. بدین معنی که در بهره‌برداری از مزیت‌های طبیعی در کشور لازم است به صورت فعال‌تری از مزیت‌های نسبی قشر تحصیل کرده و نخبه استفاده گردد. به عبارت دیگر برای حصول بهترین نتیجه، لازم است مزیت طبیعی با مزیت انسانی نخبه و نوگرا ترکیب گردد. به عنوان مثال عرضه مرغوب‌ترین انار شیرین و یا پسته در شکلی ناپسند، غیربهداشتی و با شیوه‌های عقب‌مانده و مدیریت واپس‌گرا نتیجه‌ای بجز از دست دادن بازارهای جهانی و عدم اعتماد خریداران و مصرف‌کنندگان نخواهد داشت. حال اینکه می‌توان با حمایت و استفاده از مزیت نسبی نخبگان و نوآوران بخش بسته‌بندی و عرضه، با ابزار دانش، ابتکار و نوآوری به موفقیت پایدار و بهبود قدرت رقابت در عرصه‌های جهانی و بازارهای بین‌المللی دست یافت. به عنوان مثال کشور اسپانیا برای بسته‌بندی زعفران و کشور بلغارستان برای اسانس‌گیری گل محمدی از این مزیت نسبی به نحو شایسته استفاده کرده و در نتیجه در صادرات پایدار این محصولات به بازارهای جهانی موفق بوده و اقتصاد کشور و مردم خود را بهبود بخشیده‌اند. نکته مهم این است که

این چهار کشور را دارند، امکانی که برای سایر استان‌های ایران وجود ندارد، بنابراین سه استان فوق در این زمینه دارای مزیت نسبی طبیعی ژئوآکونومیک برای صادرات و واردات محصولات کشاورزی و آب مجازی به این کشورها هستند. علاوه بر این کشاورزان در استان‌های شمالی کشور بخاطر همسایگی با کشورهای که کمتر درگیر خشکسالی هستند از امکان بهتری برای استفاده از سیاست کشت فراسرزیمینی در همسایه‌های شمالی برخوردار بوده که مزیت نسبی طبیعی دیگری برای آنهاست.

در جنوب کشور، چهار استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر و خوزستان به علت قرار گرفتن در سواحل خلیج فارس و راه داشتن به دریای آزاد امکان بهره‌مندی مستقیم از بندرگاه‌های بزرگ و صادرات و واردات محصولات و نهاده‌های کشاورزی را داشته و با توجه به تقاضای بالای جهانی برای محصولات غذایی و وجود بازار کشورهای ثروتمند حوزه خلیج همیشه فارس از امکان خوبی برای تولید ثروت بهره‌مند هستند، در حالی که این امکان مستقیم برای سایر استان‌های ایران وجود ندارد.

این چهار استان جنوبی و جنوب کرمان دارای این مزیت‌اند که دارای مناطقی هستند که در طول زمستان درجه حرارت به حد یخبندان نمی‌رسد و لذا امکان کشت‌های زمستانه هم در فضای آزاد و هم در گلخانه‌های مخصوص وجود دارد که می‌تواند از این مزیت بهره‌برداری کرده و ضمن توسعه پایدار کشاورزی تولید اشتغال و ثروت نمایند. علاوه بر این، استان‌های ساحلی جنوب کشور دارای این مزیت طبیعی هستند که می‌توانند با احداث ایستگاه‌های مدرن آب‌شیرین‌کن با تأمین انرژی از CHP و انرژی خورشیدی، آب دریا را شیرین کرده و با احداث مجتمع‌های گلخانه‌ای آب دریا [۴] در زمین‌های غیرقابل کشت کویری و نت‌هاوسها برای تولید محصولات جالیزی و گل‌های زینتی با بهره‌گیری از روش‌های کشت و آبیاری مدرن، ضمن تأمین بخش قابل‌ملاحظه‌ای از نیاز بازار داخلی و اشتغال‌زائی، در مصرف آب و انرژی برای تولید محصولات مشابه در مناطق دیگر کشور صرفه‌جویی نمایند. در میان این استان‌ها استان سیستان و بلوچستان و قسمت‌هایی از استان هرمزگان دارای بالاترین مزیت هستند، زیرا فقط در سیستان و بلوچستان و بخشی از هرمزگان است که برگرداندن نمک حاصل از فرایند شیرین‌سازی به دریا پیامدهای منفی کمتری برای محیط‌زیست دریایی ایجاد می‌کند. با توجه به مسئله کم‌آبی و خشکسالی‌های پی‌پی و تراز منفی اکثر

بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی طبیعی و نخبگان در کشور بایستی توأم و متناسب با هم باشد اگر نه نمی‌توان به نتیجه مورد نظر رسید. برای درک بهتر موضوع به تشریح دو مثال می‌پردازیم؛ استان قم پایین‌ترین عملکرد را در تولید گوجه‌فرنگی دارد، یعنی دارای هیچ‌گونه مزیت نسبی طبیعی برای تولید این محصول زراعی نیست حال آنکه چنانچه بهترین و مناسب‌ترین بسته‌بندی‌ها و روش‌های نگهداری و عرضه و بازارپردازی را هم در این استان ایجاد کنیم، باز نمی‌توانیم از تولید گوجه‌فرنگی در قم بهره‌برداری بهینه کنیم، زیرا مزیت‌های انسانی را بر پایه‌ای ناکارا و بی‌مزیت طبیعی استوار کرده‌ایم. استان چهارمحال و بختیاری در تولید بهترین و باکیفیت‌ترین بادام مامایی در کشور دارای مزیت نسبی بوده که عمده آن به کشور هند صادر می‌شود [۵]، پس بسیار پسندیده خواهد بود اگر این مزیت را با مزیت انسانی ترکیب نموده و بهترین و مناسب‌ترین بسته‌بندی‌ها و روش‌های نگهداری و عرضه بادام در کشور در همین استان ایجاد گردد.

#### منابع:

- ۱- جام جم آنلاین، کد خبر: ۱۸۶۴۴۸۱، ۱۰۰۸۰، ۲۸ دی ۱۳۹۰.
- ۲- خبرگزاری صداوسیما، خراسان رضوی، کد خبر: ۱۶۶۲۳۵، ۱۶ خرداد ۱۳۹۶.
- 3-Quinoa; <http://www.fao.org/quinoa/en/>
- 4-A restorative approach to agriculture; <https://seawatergreenhouse.com/>
- ۵- خبرگزاری مهر، شناسه خبر: ۲۰۳۶۳۰۴ - ۳۱ فروردین ۱۳۹۲.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.

#### سخن آخر:

برای رسیدن به توسعه پایدار در بخش‌های کشاورزی و آب لاجرم بایستی در جهت اصلاح آن دسته از سیاست‌ها و برنامه‌های ناکارآمد که آینده توسعه پایدار در این بخش‌ها را در هاله‌ای از ابهام فروبرده‌اند، گام برداریم. اصلاحی که از یک طرف مبتنی بر مزیت‌های نسبی، واقعیات طبیعی، اقلیمی و تکوین تاریخی و فرهنگی این کشور و مردم آن بوده و از سوی دیگر مبتنی بر روش‌ها و فن‌آوری‌های نوین و ساختار علمی و عملی هدفمند باشد. بنابراین لازم است در کنار سایر اصلاح‌های بنیادین، مزیت‌های نسبی بخش کشاورزی در دوره تغییر اقلیم و خشکسالی در دهه اخیر نیز بازشناسی و در مرحله بعد برای بهره‌برداری از آن‌ها مزیت‌های نسبی انسانی ایجاد و از ظرفیت و تجربه نخبگان و دانشگاہیان هر بخش برای اصلاح معایب و عقب‌ماندگی‌های موجود استفاده کنیم. چنانچه عزمی جدی در جهت اصلاح نابهینگی‌های موجود از طریق ایجاد تحول ساختاری در بخش کشاورزی و آب و اعمال راهبردهای تخصصی و کاربردی صورت بپذیرد، می‌توان به آینده کشاورزی در ایران و دستیابی به اهداف راهبردی در این بخش مانند توسعه پایدار، افزایش بهره‌وری آب و نیل به امنیت غذایی بسیار امیدوار بود.